

## سخن سردبیر

با مروری بر مطالعات تاریخی درمی‌یابیم که دانش پزشکی هرگز از اخلاق پزشکی جدا نبوده و مباحث و مسائل آن دو به یکدیگر پیوند خورده است. در دوره‌های میانی، اخلاق پزشکی پیش‌نیاز طب بالینی بوده و با تحولات علمی جدید در چند دهه اخیر، شاهد احیای مجدد اخلاق پزشکی همگام با پیشرفت‌های نوین زیست پزشکی هستیم. امروزه یک سؤال اساسی فراوی ماست که اگر مغرب‌زمین را خاستگاه تحولات علمی جدید بپنداریم که همگام با انتقال فناوری و تحولات نوین زیست پزشکی فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن را نیز بر دیگر کشورها تحمیل می‌کند وظیفه کشورها در قبال انتقال فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر زیست فناوری چیست؟ آیا باید با موضعی انفعالی در قبال فرهنگ و ارزش‌های وارداتی سکوت کرد و در آن مستحیل شد یا با بهره‌گیری از پشتوانه عظیم فرهنگی و تمدن درخشان ایرانی اسلامی که ارزش‌های اخلاقی را به زیباترین وجه به نمایش می‌گذارد از آن حراست کرد؟

زمانی اهمیت این موضوع دوچندان می‌شود که بدانیم خاستگاه اصلی این تحولات علمی جدید، پیشینه عظیم تمدن اسلام و ایران است که پزشکی آن هشت قرن جهان غرب را مسخر خویش ساخت و با بهره‌گیری از این پشتوانه سترگ علمی و فرهنگی توانست طرحی نو دراندازد و منشأ تحولات علمی جدید باشد. بدون تردید نگرش برخاسته از تفکر مبتنی بر انسان‌گرایی غرب که همه ارزش‌ها را بر محور اومانیزم معنا می‌کند با تفکر یک اندیشمند شیعی که همه هستی و نظام آفرینش را بر محور خدا تفسیر می‌کند در تضاد است و نمی‌توان در قبال

سیل خروشان هجمه فرهنگی و ارزش‌هایی که اندیشه سکولار تبیین می‌کند، بی‌تفاوت بود.

بر اساس تفکر اسلامی، همه هستی مخلوق و آفریده خداست (سوره انعام، آیه ۱۲) و جهان آفرینش به تامه در ایجاد و در بقا به خداوند مَنان وابسته و نیازمند است (سوره فاطر، آیه ۱۵) انسان بنده و مملوک خداوند است و وصف بندگی بر این نکته تأکید دارد که همه شؤونات بنده به مولایش وابسته است (سوره نحل، آیه ۳۶) خداوند ولیّ و صاحب اختیار انسان است (سوره شوری، آیه ۹) و تدبیر خلقت و نیز زندگی بشر به دست پروردگار یکتاست (سوره انعام، آیه ۱۶۴). از این منظر شیوه زندگی انسان باید بر اساس تعالیم دین مبین اسلام تنظیم شود و پی‌جویی هر دستوری به جز دستور خداوند تعالی پذیرفتنی نیست (سوره مائده، آیه ۴۴)؛ بنابراین در پرتو این تفکر برای تعیین دستورالعمل زندگی باید به دین و قرآن مراجعه کرد که در بین مسلمانان مستندترین متن الهی است که همه بدون هرگونه خدشه‌ای بر صحت و درستی آن ایمان دارند. در این نگرش عقل در کنار نقل راه سعادت انسان را بر وی می‌نمایاند و چراغ حقیقت فراروی آدمی می‌گشاید. از آنجا که اخلاق پزشکی متکفل تعیین معیار درستی و نادرستی اعمال ما در حوزه پزشکی است، جامعه اسلامی ناگزیر است که معیارهای خود را بر اساس مبانی دین تنظیم و تنسیق کند.

در این نگاه، همه قدرت‌ها در دست قدرت لایزال الهی است، اگر اقدام درمانی پزشک مؤثر واقع شود به این دلیل است که مشیت خداوند بر آن تعلق گرفته و شفادهنده حقیقی خداست «و اذا مرضتُ فهو یشفین» (سوره شعرا، آیه ۸۰) و برای پزشک بهترین حالت آن است که مظهر اسم مبارک «شافی» شود با چنین نگاهی کار طبابت عبادت است و از ارزش والایی برخوردار می‌گردد، آنچنان که

بزرگانی چون امام خمینی (ره) تقدس و اهمیت آن را بیان نموده‌اند که اگر آدمی در اثر وسوسه نفس، برای کسی تکبر و تبختر ورزید و با نگرشی برتری‌جویانه به بیمار نگریست راه سعادت دنیا و عقبی نمی‌پوید و با این نگرش باید همه نخوت‌ها و غرورها را رها ساخته و خود را بنده‌ای در کنار بندگان خدا بیندازد که اگر چنین شد و طبیب خود را در آینه بیمار نگریست، راه سعادت و کمال پیموده و بندگی راستین خداوند را تجربه کرده است که «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (سوره نسا، آیه ۱۳۴).

سردبیر

